

فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)
سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۵ (پیاپی ۱۲)

بررسی اثر حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی (رهیافت بین‌کشوری)^۱

زهرا عزیزی^۲ و مرتضی خورسندی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۶/۰۷

چکیده

در سال‌های اخیر به دلیل بروز مشکلات ناشی از تحریم‌ها و عدم آمادگی اقتصاد ایران برای مقابله با این تهدیدات خارجی، توجه به مفاهیمی همچون آسیب‌پذیری اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن، از موضوعات بسیار مهم در بین اقتصاددانان و پژوهشگران ایرانی می‌باشد. درجه آسیب‌پذیری اقتصاد علاوه بر اینکه ناشی از خصوصیات ساختاری اقتصاد است، بسیار می‌تواند تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و نحوه حکمرانی در اقتصاد باشد. بنابراین در این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا حکمرانی خوب می‌تواند باعث کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد شود. در این راستا، از برآورد دو رگرسیون بین‌کشوری با در نظر گرفتن داده‌های مقطعی برای متوسط سالهای

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/edp.2017.16089.1100

۲. استادیار دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول)؛
z.azizi@alzahra.ac.ir

۳. استادیار دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی؛ mkhorsandi57@yahoo.com

۱۱-۲۰۰۹ استفاده می‌شود. رگرسیون اول شامل ۱۸۳ کشور جهان می‌باشد که شاخص آسیب‌پذیری برای آنها توسط بریگوگلیو (۲۰۱۴) محاسبه شده است و رگرسیون دوم تنها شامل داده‌های ایران و ۲۴ کشور دیگر است که جمعیت بالای ۵۰ میلیون نفر دارند. نتایج حاصل از هر دو رگرسیون، نشان می‌دهد که حکمرانی خوب اثر منفی و معنادار بر میزان آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها دارد. بنابراین نتایج، بیانگر آن است که کشوری که دارای حکمرانی بهتر است، می‌تواند با اتکاء به مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهای کارای خود، درجه آسیب‌پذیری را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، آسیب‌پذیری اقتصادی، حکمرانی خوب
طبقه‌بندی JEL: O10, O29.

۱. مقدمه

در سال‌های اخیر، توجه زیادی به بحث‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی معطوف گردیده است. بالاخص در ایران با توجه به وجود تحریم‌های اقتصادی و تأکیدات رهبر جمهوری اسلامی ایران بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، تلاش‌هایی در جهت شناسایی و ارائه یک الگوی علمی و عملی از اقتصاد مقاومتی شکل گرفته است.

در ایران، موضوع اقتصاد مقاومتی نخستین بار توسط رهبر جمهوری اسلامی ایران در شهریور ۱۳۸۹ مطرح گردید و پس از آن به فراخور شرایط، به بیان الزامات و اهمیت اقتصاد مقاومتی پرداخته‌اند؛ به طوری که سیاست‌های ۲۴ گانه اقتصاد مقاومتی در اسناد فرادستی نظام مورد ملاحظه قرار گرفته است.

مفاهیم مشابهی از اقتصاد مقاومتی از حدود سال‌های ۲۰۰۶ میلادی در برخی گزارش‌های بین‌المللی پدیدار شده است. یکی از مهمترین شاخص‌هایی که قرابت نزدیکی با مفاهیم اقتصاد مقاومتی دارد، شاخص آسیب‌پذیری^۱ اقتصاد می‌باشد. بدون تردید بخش مهمی از نقطه مرکزی و محوری دیدگاه اقتصاد مقاومتی ناظر بر کاهش آسیب‌پذیری در مواجهه با شرایط دشوار و بعضاً پیش‌بینی نشده است.

اصطلاح "آسیب‌پذیری اقتصادی" به طور کلی به معنی ضربه دیدن یا اثرپذیری منفی اقتصاد از شوک‌های خارجی است. به عبارتی، آسیب‌پذیری اقتصادی را می‌توان به استعداد یک کشور برای در معرض زیان قرار گرفتن از جانب فشارهای اقتصادی تعریف نمود (بریگولیو^۱، ۲۰۱۴). بریگولیو آسیب‌پذیری را با صفات ذاتی یک اقتصاد همراه کرده، به طوری که برخی از این صفات دائمی و برخی از آنها غیر دائمی است. شاخص آسیب‌پذیری از قسمت‌هایی تشکیل شده است که باعث افزایش ریسک‌پذیری اقتصاد می‌گردد و اقتصاد را در معرض خطر قرار می‌دهد. وی برای سنجش این ویژگی‌ها از چهار شاخص کلی استفاده می‌کند که باز بودن اقتصادها، میزان تمرکز بر صادرات، وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک و شاخص بلایای طبیعی را در بر می‌گیرد.

این ویژگی‌ها به شدت می‌تواند تحت تأثیر ساختار و ویژگی‌های ذاتی یک اقتصاد باشد و معمولاً برای کشورهای رخ می‌دهد که از نظر ساختار تجاری و اقتصادی زمینه لازم جهت در معرض شوک قرار گرفتن از سوی عوامل خارجی را دارا می‌باشند. نکته‌ای که باید توجه داشت آن است که درجه آسیب‌پذیری اقتصاد علاوه بر اینکه ناشی از خصوصیات ذاتی و ساختار اقتصادی و تجاری کشور است، بسیار می‌تواند تحت تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و نحوه حکمرانی^۲ در اقتصاد قرار گیرد. با بررسی شاخص‌های تشکیل‌دهنده آسیب‌پذیری، ملاحظه می‌گردد که کشورها می‌توانند با اتخاذ مکانیزم واکنش مناسب، بر این مشکلات غلبه نمایند (کوردینا^۳، ۲۰۰۸).

به نظر می‌رسد کشوری که دارای حکمرانی بهتر است، حتی در شرایطی که به لحاظ ذاتی و طبیعی دارای ویژگی‌های آسیب‌پذیری است، می‌تواند با اتکاء به مکانیزم‌ها، فرایندها و نهادهای کارای خود، درجه آسیب‌پذیری را کاهش دهد. در مقابل، کشوری که دارای حکمرانی ضعیف است، می‌تواند در معرض آسیب‌هایی قرار گیرد که ناشی از سوء تدبیر و عدم حاکمیت قانون مناسب جهت کنترل فشارهای خارجی است.

کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد از اهداف همه کشورها تلقی می‌گردد. مدیریت خوب سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی، از عواملی است که می‌تواند منجر به

1. Briguglio
2. Governance
3. Cordina

آسیب‌پذیری کمتر اقتصاد شود. اجرای سیاست‌های درست از طرف دولت و وجود نهادهای قوی منجر به کاهش برخی از شاخص‌های آسیب‌پذیری نظیر کاهش وابستگی کشورها به صادرات تک‌محصولی و یا تنوع کشورهای مقصد صادراتی و همچنین کاهش واردات کالاهای استراتژیک می‌گردد.

اگر چه موضوع اقتصاد مقاومتی ابعادی گسترده‌تر از آن دارد که در این مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت؛ اما بدون تردید، بخش مهم و محوری در دیدگاه اقتصاد مقاومتی، ناظر بر کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی می‌باشد. بر این اساس در این مقاله، به بررسی اثر حکمرانی خوب بر شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی می‌پردازیم. این مقاله شامل پنج بخش است. در ابتدا، به مروری بر پیشینه پژوهش ادبیات موجود در زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی پرداخته می‌شود. در بخش بعد، مفهوم آسیب‌پذیری و حکمرانی خوب تبیین گردیده و در مورد شاخص اندازه‌گیری آنها توضیحاتی ارائه می‌گردد. سپس چگونگی اثرگذاری حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد. در قسمت تجربی، این مقاله با استفاده از دو الگوی رگرسیونی اثر حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی مورد آزمون قرار خواهد گرفت. در انتها، به مروری بر نتایج به دست آمده از این مقاله و ارائه پیشنهاداتی مبنی بر آن می‌پردازیم.

۲. پیشینه پژوهش

درباره موضوع آسیب‌پذیری اقتصادی و موضوعات مرتبط، مطالعات متعددی در دست است، که اغلب به بررسی جایگاه و رتبه‌بندی کشورها بر اساس میزان آسیب‌پذیری اقتصادی پرداخته‌اند. مجموعه مطالعات بریگوگلیو^۱ را می‌توان مبنای اصلی بسیاری از این مطالعات دانست. مطالعه بریگوگلیو (۱۹۹۵) نخستین پژوهشی بوده که به بررسی آسیب‌پذیری کشورها پرداخته است. وی در این مقاله، عواملی همچون اندازه کشور و در معرض‌بلائیای طبیعی بودن را منشأ آسیب‌پذیری بالاتر کشورها دانسته و در مطالعات بعدی مانند مطالعه بریگوگلیو و گالی^۲ (۲۰۰۳)، شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی را معرفی و محاسبه نموده است.

1. Briguglio

2. Briguglio and Galea

کوردینا^۱ (۲۰۰۴) نشان داده است که با داشتن سهم سرمایه سرانه و تولید بیشتر و در مقابل، مصرف کمتر، می‌توان با آسیب‌پذیری اقتصادی مقابله کرد. همچنین وی نشان داد که آسیب‌پذیری اقتصادی باعث کاهش سرعت همگرایی در توسعه اقتصادی کشورها می‌گردد.

بریگولیو و همکاران (۲۰۰۸) ارتباط بین آسیب‌پذیری و تاب‌آوری^۲ را با تولید سرانه در قالب یک رگرسیون مقطعی برای ۸۶ کشور بررسی نمودند. برآورد این الگو نشان داد که آسیب‌پذیری، اثر منفی و تاب‌آوری، اثر مثبت بر تولید سرانه داشته است. گویلامونت^۳ (۲۰۰۹) به بررسی شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی میان کشورهای مختلف پرداخت. وی در این مطالعه نشان داد که برای تعیین اولویت دریافت کمک‌های بین‌المللی در کشورهای کمتر توسعه یافته، علاوه بر درآمد سرانه و سرمایه انسانی، می‌توان از شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی استفاده نمود.

بریگولیو و همکاران (۲۰۰۹) به تبیین مفهوم تاب‌آوری و آسیب‌پذیری اقتصادی پرداخته و با استفاده از چندین شاخص ترکیبی، آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی ۸۶ کشور را استخراج نموده‌اند. بر اساس دو مؤلفه آسیب‌پذیری و تاب‌آوری، کشورها به چهار دسته بدترین مورد^۴، خودساخته^۵، پسر ولخرج^۶ و بهترین مورد^۷ تقسیم شدند. بر این اساس، کشور ایران از جمله کشورهایی بوده که در بدترین وضعیت قرار داشته است. بریگولیو (۲۰۱۴) شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی برای بیش از ۱۸۰ کشور جهان را به صورت مقطعی برای متوسط سال‌های ۱۱-۲۰۰۹ محاسبه نمود. سپس در چارچوب یک تحلیل تجربی به بررسی اثرگذاری اندازه کشور بر شاخص آسیب‌پذیری پرداخت. در الگوی رگرسیونی به کار رفته توسط بریگولیو تنها یک متغیر توضیحی جمعیت کشور به عنوان مهمترین عامل توضیح دهنده آسیب‌پذیری اقتصادی به کار رفت که نماینده اندازه کشور بوده است. نتایج این مطالعه، نشان داد که هرچه اندازه یک کشور کوچکتر باشد، بیشتر در معرض شوک‌های خارجی قرار گرفته و آسیب‌پذیرتر خواهد بود.

1. Cordina
2. Resilience
3. Guillaumont
4. Worst Case
5. Self-Made
6. Prodigal Son
7. Best Case

در ایران نیز مطالعاتی با هدف تبیین مبانی اقتصاد مقاومتی، در زمینه آسیب‌پذیری اقتصادی انجام شده است. به عنوان مثال جانی و ازوجی (۱۳۹۳) به بررسی مفاهیم آسیب‌پذیری و تاب‌آوری به عنوان دو شاخص اصلی اقتصاد مقاومتی پرداختند و بیان نمودند با توجه به رویکرد اقتصاد مقاومتی در برنامه ششم توسعه، می‌توان از طریق اصلاحات نهادی، روند کاهش آسیب‌پذیری کشور و افزایش درجه تاب‌آوری اقتصاد ملی را رقم زد.

ابونوری و لاجوردی (۱۳۹۵) به برآورد شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی کشورهای عضو اوپک در دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۵ به روش پارامتریکی پرداختند که در نتیجه آن رتبه ایران در شاخص خالص تاب‌آوری میان ۱۲ کشور عضو اوپک ۶ برآورد شده است. مروری بر مطالعات موجود در این زمینه، نشان می‌دهد که با وجود گستردگی مطالعات بین‌المللی در بررسی شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی، مطالعات محدودی در ایران پیرامون آن انجام گرفته است. در سال‌های اخیر با توجه به تأکیدات فراوان رهبر جمهوری اسلامی ایران در رابطه با موضوع اقتصاد مقاومتی، شاخص‌های سنجش آن از جمله آسیب‌پذیری، محور مطالعات مختلفی قرار گرفته است اما کماکان این پژوهش‌ها به بررسی مفاهیم مرتبط با آن محدود می‌گردد. بنابراین کمبود مطالعات تجربی درباره این موضوع کاملاً محسوس است. این مسأله در مورد مطالعاتی که به بررسی عوامل اثرگذار بر آسیب‌پذیری می‌پردازند، بسیار قابل ملاحظه است؛ به طوری که تنها مطالعه‌ای که سعی می‌کند عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری اقتصادی را در یک تحلیل تجربی مورد بررسی قرار دهد، مطالعه بریگوگلیو (۲۰۱۴) است.

به خصوص در ارتباط با موضوع این مقاله که به بررسی تجربی اثرگذاری حکمرانی خوب بر شاخص آسیب‌پذیری می‌پردازد، مطالعه‌ای موجود نیست، در حالی که برای این مسأله در مطالعات متعددی از جمله بریگوگلیو (۲۰۰۹) به صورت تئوریک، تأکید فراوان شده است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی

آسیب‌پذیری اقتصادی به طور کلی، به معنی ضربه دیدن یا اثرپذیری منفی اقتصاد از شوک‌های خارجی است. به عبارتی، آسیب‌پذیری اقتصادی به شرایط ذاتی یک کشور به شرط قرار گرفتن در معرض شوک‌های برونزا گفته می‌شود و معمولاً برای کشورهای رخ

می‌دهد که از نظر ساختار تجاری و اقتصادی، زمینه لازم جهت در معرض شوک قرار گرفتن از سوی عوامل خارجی را دارا می‌باشند (بریگوگلیو، ۲۰۱۴). در اوایل دهه ۱۹۹۰، به ویژه در سازمان ملل متحد و دبیرخانه کشورهای مشترک المنافع تشخیص داده شد که آسیب‌پذیری می‌بایست در قالب یک شاخص در ارتباط با اقتصادهای مستعد زیان از جانب شوک‌های خارجی اندازه‌گیری شود. به همین منظور، شاخص‌های متعددی تهیه شد که از آن جمله می‌توان به شاخص‌های ارائه شده توسط بریگوگلیو (۱۹۹۵)، چاندر^۱ (۱۹۹۶)، ولس^۲ (۱۹۹۶)، بریگوگلیو (۱۹۹۷)، کرواردز^۳ (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰)، بریگوگلیو و گالی (۲۰۰۳)، گویلامونت^۴ (۲۰۰۹) و بریگوگلیو (۲۰۰۹) و ۲۰۱۴ اشاره نمود. به طور کلی، این شاخص‌ها نشان می‌دهند که کشورهای کوچک و بویژه کشورهای جزیره‌ای، دچار آسیب‌پذیری اقتصادی بیشتری نسبت به کشورهای بزرگتر می‌شوند.

از آنجا که بیشترین تحقیقات در این زمینه توسط بریگوگلیو انجام شده و این نویسندگان با توجه به سیر مباحث مطرح شده در ادبیات آسیب‌پذیری، جدیدترین شاخص را در این حوزه ارائه داده است. لذا در تحقیق حاضر از شاخص ارائه شده توسط بریگوگلیو (۲۰۱۴) استفاده می‌شود. این شاخص از چهار متغیر تشکیل شده که در ادامه به شرح آنها خواهیم پرداخت.

۱- درجه باز بودن اقتصاد: یکی از اجزای آسیب‌پذیری اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد می‌باشد که به صورت نسبت تجارت بین‌الملل به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود. از آنجا که مشارکت در بازارهای بین‌المللی موجب قرارگرفتن در معرض شوک‌های اقتصادی بوده، جزئی از آسیب‌پذیری اقتصادی در نظر گرفته می‌شود؛ به نحوی که هرچه درجه باز بودن اقتصاد بیشتر باشد، یک اختلال خارجی در صادرات یا واردات، آثار گسترده منفی را در اقتصاد به دنبال خواهد داشت.

۲- مرکز صادرات: وابستگی به صادرات با توجه به میزان و تنوع محصولات نیز می‌تواند در آسیب‌پذیری اقتصادی تأثیر بسزایی داشته باشد؛ به طوری که وابستگی به صادرات یک کالای خاص و بالا بودن میزان آن، هنگام بروز یک اختلال در صادرات

1. Chander
2. Wells
3. Crowards
4. Guillaumont

می‌تواند بخش وسیعی از تولید، اشتغال و درآمدهای ارزی یک کشور را با مشکل مواجه سازد. محدود بودن کالاهای صادراتی و یا مقاصد صادرات باعث افزایش ریسک تجارت بین‌المللی می‌شود. این عامل توسط جزئی از شاخص آنکتاد (UNCTAD)^۱ قابل اندازه‌گیری می‌باشد.

۳- وابستگی به واردات استراتژیک: وابستگی به واردات کالاهای استراتژیک،

یکی دیگر از اجزای آسیب‌پذیری اقتصادی می‌باشد که توسط نسبت واردات انرژی، غذا و یا تجهیزات صنعتی به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری می‌شود. این جزء نیز با توجه به اندازه کشور، میزان منابع و امکان جایگزینی واردات تأثیر متفاوتی بر آسیب‌پذیری اقتصادی خواهد داشت. شوک‌های ناشی از واردات کالاهای استراتژیک و یا کالاهای سرمایه‌ای به صورت افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تولید ناخالص ملی صورت می‌گیرد، بخصوص اگر این وابستگی از طریق چند کشور محدود اتفاق افتد، خطر بروز شوک چندین برابر خواهد شد. بریگوگلیو (۲۰۱۴) این متغیر را توسط واردات مواد غذایی و سوختی به عنوان درصدی از کل واردات اندازه‌گیری می‌کند.

۴- در معرض بلایای طبیعی بودن: این متغیر در شاخص‌های مختلفی از

آسیب‌پذیری وارد می‌شود. بلایای طبیعی نه تنها می‌توانند خود منجر به شوک‌های اقتصادی شوند، بلکه باعث تشدید اثرات منفی شوک‌ها شده و از این طریق آسیب‌پذیری یک اقتصاد را افزایش می‌دهند. این شاخص توسط نسبت زیان‌های اقتصادی ناشی از بلایای طبیعی به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری شده است.

برای محاسبه شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی، متغیرهای زیادی دخیل هستند که واحد اندازه‌گیری آنها متفاوت می‌باشد و بنابراین بدون نرمال‌سازی آنها، در یک شاخص واحد قابل جمع نیستند. از این رو، متغیرها توسط روش Max-Min به صورت زیر نرمال‌سازی شده‌اند و در نهایت، میانگین این چهار شاخص به عنوان شاخص آسیب‌پذیری محاسبه می‌شود.

$$X_i^s = (X_i - \min X) / (\max X - \min X)$$

در عبارت فوق، X_i مقدار واقعی مشاهده در هر یک از زیر شاخص‌های مطرح شده فوق برای کشور i ام، $\max X$ و $\min X$ به ترتیب، کمترین و بیشترین مقدار مشاهدات و X_i^s مقدار نرمال شده مشاهده می‌باشد.

این شاخص برای ۱۸۳ کشور جهان اعم از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته‌ای بوده که توسط کمیته سیاست‌های توسعه سازمان ملل متحد (CDP)^۱ در سال ۲۰۱۱ محاسبه شده که برای محاسبه آن، از میانگین داده‌ها در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ استفاده گردیده است.^۲

۳-۲. شاخص حکمرانی خوب

بر اساس تعریف ارائه شده توسط برنامه عمران ملل متحد، حکمرانی خوب^۳ را می‌توان مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت مردم در حکومت داری تعریف نمود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳). در سال‌های اخیر، این مفهوم بسیار مورد توجه قرار گرفته است، چرا که می‌تواند نقشی کلیدی و مهم بر متغیرهای اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. حکمرانی خوب از جمله زمینه‌های بسیار مهم برای شکل‌گیری سیاست‌های مناسب اقتصادی است. این ویژگی عوامل زیادی را تحت پوشش قرار می‌دهد که شامل قانونگذاری، حقوق مالکیت، امنیت داخلی و بین‌المللی و مشارکت مناسب در چارچوب تجارت بین‌الملل می‌شود. برای سنجش حکمرانی خوب در این مقاله، از شاخص حکمرانی ارائه شده توسط بانک جهانی استفاده می‌شود. بانک جهانی بر اساس دیدگاه اشخاص درگیر در کسب و کار، شهروندان معمولی و نظرات کارشناسان، حکمرانی خوب را بر اساس شش شاخص اندازه‌گیری می‌کند که عبارتند از^۴:

۱- **حق اظهار نظر و پاسخگویی**^۵: این شاخص بیانگر مؤلفه‌هایی همچون آزادی مدنی، آزادی انجمن و رسانه‌ها، انتخابات آزاد و میزان مشارکت شهروندان هر کشور در انتخابات است. با بهبود این شاخص، میزان شفافیت و قدرت جامعه مدنی افزایش می‌یابد و از طریق انتشار اطلاعات و افزایش آگاهی‌های عمومی، منجر به شفافیت بیشتر در اقتصاد می‌شود.

1. The United Nations Committee for Development Policy

۲. جهت اطلاع بیشتر از کشورها و نحوه محاسبه شاخص، به مقاله بریگوگلیو (۲۰۱۴) مراجعه شود.

3. Good Governance

۴. کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷)، ایزدخواستی (۱۳۹۵) و نصیرخانی (۱۳۹۳)

5. Voice and accountability

۲- **ثبات سیاسی و عدم خشونت**^۱: این شاخص در برگیرنده احتمال بروز نبردهای قومی و قبیله‌ای، حملات تروریستی یا تغییر دولت و نیز وقوع جنگ و بحران‌ها را در یک کشور نشان می‌دهد و به طور کلی، نمایانگر بی‌ثباتی‌های سیاسی در یک جامعه است. کیفیت حکمرانی در یک کشور از طریق احتمال تغییرات سریع و اجباری در دولت به مخاطره می‌افتد که این موضوع، اثر مستقیم روی تداوم سیاست‌ها دارد.

۳- **اثربخشی دولت**^۲: این گروه معرف توانایی دولت در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی است. در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مدنظر است. کیفیت خدمات عمومی از قبیل خدمات بهداشت و سلامت، آموزش، حمل و نقل و ارتباطات، کارآیی نظام اداری و کیفیت بروکراسی سیستم اداری، کیفیت شکل‌گیری و اجرای سیاست‌ها و میزان التزام دولت به این سیاست‌ها در برگیرنده برخی زیرشاخص‌های مربوط به آن می‌باشد. در نتیجه، هرچه کیفیت این زیرشاخص‌ها بهتر باشد، بیانگر وضعیت بهتر در حکمرانی است.

۴- **کیفیت قانونگذاری**^۳: منظور از کیفیت مقررات، هزینه‌های وضع مقررات اضافی بر فعالیت‌های اقتصادی است. مداخله‌های بیش از اندازه دولت در نظام بازار از جمله کنترل قیمت‌ها، بازار ارز، موانع غیر اصولی صادرات و واردات، حجم مقررات غیر اصولی در حوزه صادرات و واردات، میزان اثربخشی سیاست‌های ضد انحصاری از جمله عناصر شاخص کیفیت مقررات است. تعدد قوانین و مقررات، بی‌ثباتی و تغییرات مداوم و نبود پایبندی به اجرای آنها و نبود پوشش یا نقض قوانین موجود، بیانگر کیفیت قانونگذاری است. با کاهش مداخله‌های بیش از اندازه دولت، زمینه بهبود عملکرد اقتصادی فراهم می‌شود.

۵- **حاکمیت قانون**^۴: بیانگر میزان احترامی است که شهروندان و دولتمردان هر کشور برای نهادها قائلند. این موارد، میزان بروز جنایات، کارآمدی و قابل‌پیش‌بینی بودن احکام قضایی و میزان الزام به قراردادهای را نشان می‌دهد. این معیارها، میزان موفقیت یک جامعه در گسترش محیطی که در آن، قواعد قابل‌پیش‌بینی و مساعد در شکل‌گیری پایه‌های روابط اقتصادی و اجتماعی را اندازه‌گیری می‌کند.

-
1. Political stability and absence of violence
 2. Government effectiveness
 3. Regulatory quality
 4. Rule of law

۶- کنترل فساد^۱: بیانگر میزانی از تلاش است که قدرت عمومی برای کسب منافع خصوصی به کار می‌گیرد؛ که میزان استفاده مقامات دولتی از امتیازات و امکانات دولتی برای منافع شخصی در سطح خرد و کلان را نشان می‌دهد.

۳-۳. اثر حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری

حکمرانی خوب از جمله زمینه‌های بسیار مهم برای شکل‌گیری سیاست‌های مناسب اقتصادی است و از این طریق می‌توان به بهبود وضعیت کشور در زیرشاخص‌های مربوط به آسیب‌پذیری اقتصادی پرداخت. در بخش ۱-۳ به بررسی زیرشاخص‌های مربوط به سنجش میزان آسیب‌پذیری اقتصادی پرداخته شد. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، بخشی از این زیرشاخص‌ها، همانند در معرض بلایای طبیعی بودن، کاملاً ذاتی و خارج از کنترل سیاستگذار است و ارتباطی با شرایط اقتصادی یک کشور ندارد، اما سایر زیرشاخص‌ها بخصوص تمرکز صادرات و وابستگی به واردات استراتژیک می‌تواند به شدت تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی و شرایط حکمرانی حاکم بر اقتصاد باشد. بر این اساس، تغییر شرایط حکمرانی در یک کشور می‌تواند با تغییر زیر شاخص‌های ذکر شده، میزان آسیب‌پذیری اقتصادی یک کشور را تغییر دهد.

حکومت‌ها می‌توانند با سیاست‌گذاری‌های مناسب در زمینه زیرشاخص‌های مربوط به آسیب‌پذیری، به بهبود این شاخص کمک نمایند. به عنوان مثال، دولت‌ها با ایجاد تنوع صادراتی از طریق وضع قوانین غیر محدودکننده و کاهش وابستگی اقتصاد به صادرات محصولی خاص، به مقاوم بودن اقتصاد و کاهش شاخص کل آسیب‌پذیری می‌پردازند، چراکه وابستگی بیشتر به صادرات یک محصول خاص، به احتمال بیشتری منجر به کاهش مقاومت اقتصاد در برابر شوک‌های بیرونی ناشی از آن خواهد شد. افزایش تنوع صادراتی و همچنین گستردگی شرکای تجاری، تعامل با تعداد بیشتری از کشورهای دنیا را به دنبال خواهد داشت. تنوع بخشیدن به بازارهای بین‌المللی، یکی از راهکارهای کاهش آسیب‌پذیری است؛ به طوری که متنوع بودن بازار برای صادرات موجب می‌شود که با وقوع یک شوک خارجی برای یک مقصد صادراتی، شوک درآمدی از ناحیه صادرات به کشور وارد نشود.

در شرایط تحریم، شوک‌های ناشی از واردات کالاهای استراتژیک و یا کالاهای سرمایه‌ای به صورت افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تولید ناخالص ملی بر اقتصاد ضربه وارد می‌کند، بخصوص اگر این وابستگی از طریق چند کشور محدود اتفاق افتد، خطر بروز شوک، چندین برابر خواهد شد. در این شرایط، برای اینکه اقتصاد دچار تلاطم شدید نشود، بهتر است سطح تعاملات خود را با هر کشور از حد معینی بالاتر نبرده تا در شرایط بروز شوک، بتوان به راحتی به دنبال جایگزین مناسب بود. برای دستیابی به این اهداف، دولت و نهادهای مربوط به آن می‌توانند نقشی اساسی داشته باشند و به کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کمک نمایند.

مطالعات متعددی حکمرانی خوب را همراه با رشد اقتصادی دانسته‌اند. به عنوان مثال، می‌توان به مطالعه ناک و کیفر^۱ (۱۹۹۵)، ناک^۲ (۲۰۰۲)، خان^۳ (۲۰۰۷)، گوارتنی و همکاران^۴ (۲۰۱۳) اشاره داشت. حکمرانی خوب منجر به غلبه بر شکست‌های بازار، بهبود سرمایه‌گذاری، بهبود زیرساخت‌ها و جهت‌دهی مناسب به استفاده از منابع می‌گردد و از این طریق، رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد.

دارا بودن حکمرانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی خوب، کشورها را قادر به کاهش و حتی ایستادگی در برابر اثرات منفی شوک‌های خارجی می‌نماید. دولت‌ها برای کاهش آسیب‌پذیری و دستیابی به ثبات اقتصادی بیشتر، می‌باید سیاست‌های اقتصادی مناسبی را جهت انعطاف‌پذیری مثبت بیشتر برای تحمل شوک‌ها در نظر بگیرند، که این امر می‌تواند باعث کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی کشور شود.

کوردینا (۲۰۰۸) مطرح می‌کند که اگر کشورها مکانیزم واکنش مناسبی داشته باشند، می‌توانند بر این مشکلات ذاتی غلبه کرده و موفق عمل نمایند. حکمرانی خوب، یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند به کشورها در کنترل و غلبه بر شرایط نامناسب یک کشور در مواجهه با شوک‌های خارجی کمک نماید و بسیاری از چالش‌ها را به فرصت تبدیل نموده و یا به آنها اجازه اثرگذاری منفی بر اقتصاد را ندهد.

بریگولیو (۲۰۱۴) بیان می‌نماید که بدون حکمرانی خوب، شوک‌های وارد بر اقتصاد به احتمال بیشتری منجر به آشفتگی اقتصادی و اجتماعی می‌شوند و در نتیجه، آسیب‌پذیری اقتصادی را تشدید می‌کنند. از طرفی، استقرار حکمرانی خوب با ارائه

1. Knack & Keefer
2. Knack
3. Khan
4. Gwartney, *et al.*

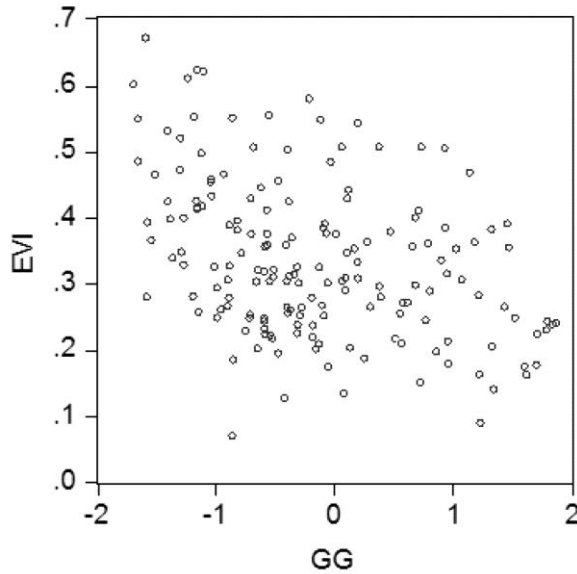
خدمات عمومی کارا تر، حفظ حاکمیت قانون، حقوق مالکیت و قوانین قابل پیش بینی و معتبر، باعث جذب و خنثی شدن بهتر این شوک ها می شود. کشورهای با فقدان حکمرانی خوب، هنگام پدیدار شدن یک شوک خارجی، بیشتر دچار هرج و مرج اقتصادی و اجتماعی می شوند.

حکمرانی مناسب این فرصت را برای کشورها ایجاد می کند که از لحاظ اقتصادی موفق عمل نمایند. به همین دلیل، بریگوگلیو و همکاران (۲۰۰۹) بر حکمرانی خوب به عنوان متغیری اثرگذار بر کاهش آسیب پذیری و بهبود وضعیت مقاوم بودن اقتصاد تأکید نمودند و بدین منظور، این متغیر را در شاخص تاب آوری اقتصاد وارد کردند. آنها این نتایج را صرفاً بر اساس دلایل تئوریک به کار بردند و شواهد تجربی آن را آزمون ننموده اند. مقاله حاضر، توجیه تجربی ورود حکمرانی به شاخص تاب آوری را فراهم می‌آورد و در واقع، این خلأ مطالعاتی را پر می نماید.

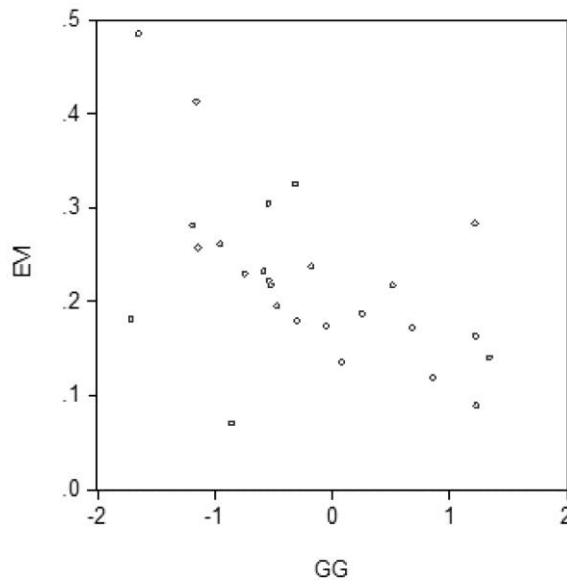
۴. تحلیل تجربی

در این قسمت، پیش از تخمین الگو با استفاده از داده‌های موجود برای ۱۸۳ کشور مورد بررسی و همچنین کشورهای بزرگ (دارای جمعیت بالای ۵۰ میلیون نفر)، با به کارگیری نمودارهای مختلف، وضعیت کشورها را از نظر ترکیب حکمرانی خوب و شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی مورد ملاحظه قرار می دهیم.

در این نمودارها، محور افقی نشان دهنده وضعیت کشور از نظر شاخص حکمرانی و محور عمودی، نشان دهنده شاخص آسیب‌پذیری می باشد. مقادیر مربوط به شاخص حکمرانی برای هر کشور، می تواند بین ۲/۵- تا ۲/۵ و مقادیر شاخص آسیب‌پذیری، بین صفر و یک باشد. هر نقطه در نمودارهای زیر، وضعیت یک کشور خاص را به لحاظ ترکیب شاخص های حکمرانی خوب و آسیب‌پذیری نشان می دهد. در نمودار (۱) از داده های همه کشورهای مورد بررسی استفاده شده که شامل ۱۸۳ کشور بوده است. این نمودار می تواند نشان دهنده یک رابطه منفی بین حکمرانی خوب و آسیب‌پذیری باشد. در نمودار (۲) این ارتباط در کشورهای بزرگ نشان داده شده است. از آنجا که در این نمودار، اثر جمعیت تا حدودی کنترل شده، ارتباط منفی موجود، قابل ملاحظه تر است.



نمودار ۱. وضعیت ۱۸۳ کشور در شاخص حکمرانی خوب و شاخص آسیب‌پذیری



نمودار ۲. وضعیت ۲۵ کشور بزرگ در شاخص حکمرانی خوب و شاخص آسیب‌پذیری

در ادامه، با استفاده از تحلیل رگرسیون، به بررسی تجربی نقش حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی می‌پردازیم. از آنجا که مهمترین مطالعات تجربی در بحث

آسیب‌پذیری اقتصادی توسط بریگوگلیو به انجام رسیده، بنابراین در این تحقیق، از داده‌ها و محاسبات مطالعه بریگوگلیو (۲۰۱۴) استفاده شده است و الگوی رگرسیونی نیز مبتنی بر نتایج این مطالعه اقتباس می‌گردد.

۴-۱. معرفی ساختار الگو

در مطالعه بریگوگلیو (۲۰۱۴)، شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی برای بیش از ۱۸۰ کشور جهان به صورت مقطعی محاسبه، و زیرشاخص‌های تشکیل دهنده این شاخص برای متوسط سالهای ۱۱-۲۰۰۹ در نظر بوده و شاخص کل بین صفر و یک نرمال شده است. هر چه مقدار شاخص به یک نزدیکتر باشد، میزان آسیب‌پذیری بیشتر است. در الگوی رگرسیونی به کار رفته توسط بریگوگلیو تنها یک متغیر توضیحی به عنوان مهمترین عامل توضیح دهنده آسیب‌پذیری اقتصادی به کار رفته و آن متغیر، اندازه اقتصاد یا بزرگی بازار است که از جمعیت کشور به عنوان نماینده اندازه اقتصاد استفاده شده است. بر اساس نتایج این مطالعه، آسیب‌پذیری اقتصادی به اندازه اقتصاد ارتباط دارد و هرچه اندازه اقتصاد بزرگتر، می‌تواند از بازار داخلی بیشتر استفاده کرده و وابستگی کمتری به خارج داشته باشد و بنابراین، آسیب‌پذیری کمتری را تحمل کند. در واقع، اقتصادهای کوچکتر، آسیب‌پذیر ترند.

از آنجا که در تحقیق حاضر، هدف ما پاسخ به این سؤال است که آیا حکمرانی خوب می‌تواند نقش معناداری در کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی داشته باشد و با توجه به نتیجه مطالعه بریگوگلیو مبنی بر ارتباط آسیب‌پذیری و اندازه اقتصاد، بنابراین دو الگوی اقتصادسنجی برای آزمون سؤال تحقیق مورد برآورد قرار می‌گیرد. در الگوی اول، از همان داده‌های کشورهای مورد مطالعه بریگوگلیو بهره‌گیری شده و در کنار متغیر اندازه اقتصاد، از متغیر حکمرانی خوب نیز به عنوان متغیر توضیحی استفاده می‌شود. در الگوی دوم، تنها از داده‌های ایران و ۲۴ کشور دیگری که جمعیت بالای ۵۰ میلیون نفر دارند، به عنوان گروه کشورهای بزرگ در نظر گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، تخمین فقط برای کشورهای بزرگ انجام شده و تنها از متغیر حکمرانی خوب به عنوان متغیر توضیحی استفاده می‌گردد. بدین صورت، به این سؤال پاسخ داده می‌شود که آیا حکمرانی خوب می‌تواند توضیح دهنده معناداری برای آسیب‌پذیری اقتصادی کشورهای با اندازه بزرگ باشد.

لازم به ذکر است همان‌طور که قبلاً گفته شد، تنها مطالعه‌ای که در آن سعی شده عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری اقتصادی در یک تحلیل تجربی مورد بررسی قرار گیرد، مطالعه بریگوگلیو (۲۰۱۴) بوده و در این مطالعه نیز تنها از اندازه اقتصاد به عنوان متغیر توضیحی برای آسیب‌پذیری اقتصادی استفاده شده، و اگرچه بریگوگلیو بر حکمرانی خوب نیز به عنوان متغیر اثرگذار به صورت تئوریک تأکید داشته، اما این متغیر را در تحلیل تجربی خود وارد نکرده است. لذا تحقیق حاضر، کوششی در راستای رفع این نقیصه می‌باشد. در واقع در مطالعه حاضر، به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که آیا حکمرانی خوب نیز می‌تواند به صورت تجربی اثر معناداری بر آسیب‌پذیری اقتصادی داشته باشد و این ارتباط را که در ادبیات موضوع به صورت تئوریک در نظر گرفته‌اند، به صورت تجربی مورد آزمون قرار می‌دهیم.

از این رو در مطالعه حاضر، جهت پاسخ به سؤال تحقیق از تخمین دو الگوی زیر استفاده می‌شود.

الگوی اول برای کل کشورهای مورد استفاده توسط بریگوگلیو:

$$Evi_i = \alpha + \beta P_i + \gamma GG_i + \varepsilon_i$$

الگوی دوم برای کشورهای بزرگ:

$$Evi_i = \alpha + \gamma GG_i + \varepsilon_i$$

که در آن:

Evi_i : شاخص آسیب‌پذیری اقتصادی برای کشور آم؛

P_i : جمعیت کشور آم به عنوان شاخص اندازه اقتصاد؛

GG_i : شاخص حکمرانی خوب برای کشور آم است.

۴-۲. نتایج تخمین‌ها

بر اساس مباحث مطرح شده در بخش قبلی جهت پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر وجود اثر معنادار از سمت حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی، می‌باید دو الگوی رگرسیونی معرفی شده، یکی برای کل کشورها و دیگری برای کشورهای بزرگ با جمعیت بالای ۵۰ میلیون نفر مورد برآورد قرار گیرد. نتایج تخمین الگوی اول در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. نتایج برآورد الگوی اول برای کل کشورها

متغیر	ضریب	انحراف معیار	سطح عدم اطمینان
عرض از مبدأ	۳۰۴/۶۷۷	۸/۲۳۱	۰/۰۰۰
حکمرانی خوب	-۲۱/۰۹۷	۸/۶۲۲	۰/۰۱۵
اندازه اقتصاد	-۱/۵ E-۰/۷	۵/۱ E-۰/۸	۰/۰۰۴
آزمون‌های تشخیصی:			
F-statistic pob: ۰/۰۰۱۳			
Durbin-Watson statistic: ۱/۹۱			
Jarque-bera test prob: ۰/۳۸۲			
Breusch-Godfrey LM Test prob: ۰/۶۸۶			
Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Godfrey prob: ۰/۶۵۱			

بر اساس نتایج حاصل از تخمین هر دو متغیر، اندازه اقتصاد و حکمرانی خوب، دارای اثر منفی و معنادار بر میزان آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها می‌باشد. به عبارت دیگر، حکمرانی خوب توانسته است در کنار اندازه اقتصاد، تفاوت در آسیب‌پذیری اقتصادی کشورها را توضیح دهد. علامت ضرائب مطابق با انتظار، منفی است؛ یعنی هر چه وضعیت کشور از لحاظ شاخص حکمرانی خوب بهتر باشد، با فرض ثابت بودن سایر شرایط، میزان آسیب‌پذیری اقتصادی کمتر خواهد بود. همچنین با بزرگتر شدن اقتصاد با فرض ثابت بودن سایر شرایط، میزان وابستگی به کشورهای خارجی کمتر شده و در نتیجه، آسیب‌پذیری اقتصادی کاهش می‌یابد. در بخش انتهایی جدول، آماره‌های مربوط به آزمون‌های انجام شده روی مدل گزارش شده است. آماره F بیانگر معناداری کل مدل بوده و آزمون‌های تشخیصی انجام شده شامل آزمون‌های خود همبستگی، واریانس ناهمسانی و نرمال بودن جملات اختلال، نشانگر برقراری فروض کلاسیک رگرسیون در مدل برآورد شده می‌باشد و بنابراین، نتایج به دست آمده قابل اعتماد است.

جدول شماره ۲، نتایج تخمین الگوی دوم را برای کشورهای بزرگ نشان می‌دهد. در این الگو، تنها کشورهای با جمعیت بالای ۵۰ میلیون نفر در نظر گرفته شده‌اند. در نتیجه این تفکیک، تنها متغیر حکمرانی خوب به عنوان متغیر توضیحی ارائه شده است.

**جدول ۲. نتایج برآورد الگوی دوم برای کشورهای بزرگ
(کشورهای با جمعیت بالای ۵۰ میلیون نفر)**

متغیر	ضریب	انحراف معیار	سطح عدم اطمینان
عرض از مبدأ	۲۲۰/۷۵۳	۱۷/۴۷۲	۰/۰۰۰
حکمرانی خوب	-۴۰/۳۴۴	۱۸/۵۴۳	۰/۰۴۰
آزمون‌های تشخیصی:			
F-statistic pob: ۰/۰۴۰			
Durbin-Watson statistic: ۲/۰۰۸			
Jarque-bera test prob: ۰/۷۸۰			
Breusch-Godfrey LM Test prob: ۰/۵۴۸			
Heteroskedasticity Test: Breusch-Pagan-Godfrey prob: ۰/۱۵۵			

بر اساس نتایج حاصل از تخمین الگوی دوم، حکمرانی خوب در کشورهای بزرگ نیز دارای اثر منفی و معنادار بر میزان آسیب‌پذیری اقتصادی می‌باشد. به عبارت دیگر، اثرگذاری حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی در گروه کشورهای بزرگ نیز تأیید می‌گردد. بنابراین، بر اساس نتایج حاصل از هر دو تخمین در پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر وجود اثر معنادار از سمت حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری اقتصادی، باید گفت هرچه کشور دارای حکمرانی مناسب‌تر باشد، می‌تواند ارتباطات خود را با دیگر کشورها به گونه‌ای برقرار نماید که کمتر دچار آسیب‌پذیری باشد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در سال‌های اخیر با معطوف شدن توجه اقتصاددانان به مباحث مربوط به مقاوم‌سازی اقتصاد، کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی از اهداف بسیاری از کشورها تلقی می‌شود. بنابراین، شناسایی عواملی که می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری کمک نماید، از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد. از این رو در این مقاله، به بررسی تجربی نقش حکمرانی خوب در کاهش آسیب‌پذیری اقتصادی پرداخته شده است. بدین منظور، ابتدا به بررسی مختصری از مفاهیم آسیب‌پذیری و حکمرانی خوب پرداخته و سپس از دو الگوی اقتصادی برای آزمون این فرضیه بهره‌برداریم. در الگوی اول، دو متغیر شاخص حکمرانی خوب همراه با اندازه اقتصاد به عنوان توضیح‌دهندگان اصلی آسیب‌پذیری در

برآورد الگو در نظر گرفته شده و در الگوی دوم، از داده های ۲۵ کشوری که جمعیت بالای ۵۰ میلیون نفر دارند، به عنوان گروه کشورهای بزرگ استفاده می شود و تنها متغیر حکمرانی خوب، به عنوان متغیر توضیحی در برآورد الگو وارد شده است. نتایج برآورد هر دو الگو نشان می دهد که حکمرانی خوب، اثر منفی و معنادار بر میزان آسیب پذیری اقتصادی کشورها دارد.

با توجه به ضریب منفی به دست آمده برای حکمرانی خوب، نقش عوامل نهادی مانند حکمرانی بر کاهش آسیب‌پذیری آشکار می‌گردد. بر این اساس، کشورها از طریق بهبود و اصلاح حکمرانی، می‌توانند وضعیت آسیب‌پذیری اقتصادی خود را بهبود بخشند. حکمرانی خوب، یکی از مهم ترین عواملی است که می‌تواند به کشورها در کنترل و غلبه بر شرایط نامناسب در مواجهه با شوک های خارجی کمک نماید و بسیاری از چالش ها را به فرصت تبدیل نموده و یا به آنها اجازه اثرگذاری منفی بر اقتصاد را ندهد.

بخصوص در ایران با توجه به تحریم هایی که در سال های اخیر بر اقتصاد تحمیل گردیده است، کشور همواره در معرض شوک های ناشی از آن بوده و می‌باشد. حکمرانی خوب می‌تواند منجر به اعمال سیاست‌های مناسبی جهت مقابله با این آسیب‌ها شود. با توجه به شاخص هایی که در شکل گیری آسیب‌پذیری نقش مهمی دارند، مسؤولان حکومتی می‌توانند با سیاستگذاری های مناسب در این زمینه به بهبود شاخص آسیب‌پذیری بپردازند. به عنوان مثال، ایجاد تنوع صادراتی از طریق وضع قوانین غیر محدودکننده و همچنین گسترده‌سازی شرکای تجاری و تعامل با تعداد بیشتری از کشورهای دنیا، می‌تواند آسیب‌پذیری اقتصادی را کاهش دهد. تنوع بخشیدن به صادرات با تقویت بخش تولید و خدمات، از طریق حمایت‌های مالی و افزایش بهره‌وری، قابل تحقق است. متنوع بودن بازار برای صادرات موجب می‌شود که تحریم‌ها نتوانند شوک درآمدی قابل ملاحظه ای را از ناحیه صادرات به کشور تحمیل نمایند.

در شرایط تحریم، شوک های ناشی از واردات کالاهای استراتژیک و یا کالاهای سرمایه ای به صورت افزایش هزینه‌های تولید و کاهش تولید ناخالص ملی بر اقتصاد ضربه وارد می‌کند، بخصوص اگر این وابستگی از طریق چند کشور محدود اتفاق افتد، خطر بروز شوک، چندین برابر خواهد شد. در این شرایط، برای اینکه اقتصاد دچار تلاطم شدید نشود، بهتر است سطح تعاملات خود را با هر کشور از حد معینی بالاتر نبرده تا در

شرایط بروز شوک بتوان به راحتی به دنبال جایگزین مناسب بود. برای دستیابی به این اهداف، دولت و نهادهای مربوط به آن می‌توانند نقشی اساسی داشته باشند و به کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کمک نمایند.

در نهایت، با توجه به اینکه تا قبل از مطالعه بریگوگلیو (۲۰۱۴)، داده‌های مدونی از شاخص آسیب‌پذیری با این ابعاد موجود نبوده، و مطالعات بسیار اندکی در این زمینه به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر آسیب‌پذیری وجود داشته است، از این رو پیشنهاد می‌گردد که در مطالعات بعدی، سایر مواردی که می‌تواند به کاهش آسیب‌پذیری کمک نماید، مورد بررسی قرار گیرد. همچنین جهت انجام مطالعات بعدی، پیشنهاد می‌شود اثر زیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر آسیب‌پذیری، مورد بررسی محققان قرار گیرد؛ به گونه‌ای که مؤثرترین زیرشاخص‌ها بر آسیب‌پذیری، مشخص گردد.

منابع

- ابونوری، اسمعیل و لاجوردی، حسن. (۱۳۹۵). برآورد شاخص آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصادی به روش پارامتریکی: بررسی موردی کشورهای عضو اوپک. *فصلنامه نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، شماره ۳.
- ایزدخواستی، حجت. (۱۳۹۵). تحلیل تأثیر فساد و کیفیت حکمرانی بر عملکرد نظام مالیاتی: رویکرد داده‌های تابلویی پویا. *سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی*، شماره ۱۰، صص ۹۴-۱۱۸.
- جانی، سیاوش و ازوجی، علاءالدین. (۱۳۹۳). تبیین مفهوم و مبانی تاب‌آوری و اقتصاد مقاومتی در طراحی برنامه ششم توسعه. معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- کمیجانی، اکبر و سلاطین، پروانه. (۱۳۸۷). تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب OPEC و OECD. *فصلنامه مدلسازی اقتصادی*، سال ۲، شماره ۲، صص ۱-۲۴.
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر. (۱۳۸۳). حکمرانی خوب بنیان توسعه. دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

– نصیرخانی، پرویز. (۱۳۹۳). تأثیر حکمرانی خوب به عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، دوره ۵، شماره ۷، صص ۱۰۴-۸۵.

- Briguglio, L. (1995). Small Island Developing States and Their Economic Vulnerabilities. *World Development*, 23(9): 1615-32.
- Briguglio, L. (2003). The Vulnerability Index and Small Island Developing States: A Review of Conceptual and Methodological Issues. In AIMS Regional Preparatory Meeting on the Ten-Year Review of the Barbados Program me of Action: Praia, Cape Verde.
- Briguglio, L. (2014). A Vulnerability and Resilience Framework for Small States. Bynoe-Lewis, D. Building the Resilience of Small States: A Revised Framework. London Commonwealth Secretariat.
- Briguglio, L., & Galea, W. (2003). Updating and Augmenting the Economic Vulnerability Index. Occasional paper, University of Malta.
- Briguglio, L., Cordina, G., Farrugia, N., & Vella, S. (2009). Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements. *Oxford Development Studies*, 37(3): 229-247.
- Chander, R. (1996). Measurement of the Vulnerability of Small States. Report Prepared for the Commonwealth Secretariat.
- Cordina, G. (2004). Economic Vulnerability and Economic Growth: Some Results from a Neo-Classical Growth Modelling Approach. *Journal of Economic Development*, 29(2): 21-39.
- Cordina, G. (2008). The Macroeconomic and Growth Dynamics of Small States. *Small States: Economic Review & Basic Statistics*, 21-37.
- Crowards, T. (1999). An Economic Vulnerability Index for Developing Countries, with Special Reference to the Caribbean: Alternative Methodologies and Provisional Results. *Barbados: Caribbean Development Bank*: 117-119.
- Crowards, T. (2000). An Index of Economic Vulnerability for Developing Countries. Caribbean Development Bank, Barbados.

- Guillaumont, P. (2009). An Economic Vulnerability Index: Its Design and Use for International Development Policy. *Oxford Development Studies*, 37(3): 193-228.
- Gwartney, J., Lawson, R., & Hall, J. (2013). Economic Freedom of the World. Report. Retrieved from <http://www.freetheworld.com/2013/EFW2013-complete.pdf>.
- Khan, M. (2007). Governance, Economic Growth and Development Since the 1960s. DESA Working Paper, No. 54.
- Knack, S. (2002). Governance and Growth: Measurement and Evidence. The Institutional Economics Approach to Aid Effectiveness Session on Empirical Indicators Linking Governance to Growth. Washington, DC.
- Knack, S., & Keefer, P. (1995). Institutions and Economic Performance: Cross-Country Tests Using Alternative Institutional Measures. *Economics & Politics*, 7(3): 207-227.
- Wells, J. (1996). Composite Vulnerability Index: A Preliminary Report. Commonwealth Secretariat, London.